



نشریه علمی تمدن اسلامی و دین پژوهی

سال اول / شماره سوم / بهار ۱۳۹۹



کارکرد های تقریب مذاهب در تحقق تمدن نوین اسلامی

محمد دهقانی^۱

(۹۴-۱۱۱)

چکیده

تمدن سازی اسلامی یکی از مهمترین کارکردهای اسلام در راستای تکامل جوامع انسانی است اما بعد از رحلت پیامبر اسلام (ص) مسلمانان به گروه‌ها و دسته‌های مختلفی تقسیم شدند و اختلاف بین این گروه‌ها فرصت‌های زیادی را که می‌بایست در مسیر شکوفایی جوامع اسلامی صرف شود، به هدر داد. این نوشتار با توجه به پیشینه اختلافات مذهبی در بین مسلمانان، به این پرسش پرداخته که تقریب مذاهب اسلامی چه کارکردهایی در شکوفایی تمدنی اسلام خواهد داشت؟ در این راستا سعی شده است تا با استفاده از منابع متعدد و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به کارکردهای مختلف تقریب مذاهب پرداخته شود و کارکردهای آن در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. در این خصوص، می‌توان گفت تقریب مذاهب اسلامی کارکردهای فراوانی در جهت تمدن سازی اسلامی خواهد داشت که می‌توان به کارکردهایی مانند بازگشت به اسلام اصیل، تشکیل امت واحده، گسترش فضای گفتگویی، پرهیز از تفرقه و واگرایی و کاهش تعصب و افراطی‌گری به عنوان عوامل زمینه ساز تمدن اسلامی اشاره کرد.

واژگان کلیدی: اسلام، تقریب مذاهب، تمدن، تمدن نوین اسلامی، هم‌گرایی و گفت و گو.

^۱. استادیار مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی قم - mdehqan23@gmail.com

مقدمه

تربیت عقلانی و اخلاقی بشر هدف بعثت نبی مکرم اسلام (ص) است. پیامبر اسلام (ص) همواره تلاش کرد تا اصول و پایه های کمال انسان را برای بشریت به ارمغان آورد. این تکامل به نوعی در جامعه مطلوب ظهور و بروز پیدا می کند و این مهم را به اثبات می رساند که اسلام ظرفیت تأسیس جامعه مطلوب را در بطن آموزه های خود دارد و جامعه مطلوب امروزه می تواند تحت عنوان جامعه متمدن خود را معرفی کند. پیامبر اسلام در این زمینه تلاش های فراوانی کرد و ائمه معصومین (ع) نیز، این راه را ادامه دادند ولی این مهم، یکروزه ساخته نمی شود؛ بلکه برای شکل گیری یک تمدن باید در ابتدا ظرفیت سازی کرد و سپس از این ظرفیت ها در مسیر صحیح استفاده کرد از این رو تمدنی که با شاخصه های اسلامی بنیان نهاده می شود را می توان تمدن اسلامی نامید. بعد از پیامبر اسلام (ص) با توجه به اختلاف شکننده و وجود مذاهب مختلف در بین مسلمانان، تقریب مذاهب و هم گرای مسلمانان یکی از عناصر تأثیرگذار در راستای تحقق تمدن اسلامی است. تقریب مذاهب به عنوان یک عامل ظرفیت ساز و زمینه ساز می تواند نقش مهم و اساسی را در ساخت پایه ها و اصول تمدن اسلامی ایفا کند که تضعیف و یا عدم وجود آن در یک جامعه با استناد به گزاره های تاریخی خسارت جبرانناپذیری را در پی خواهد داشت.

در عصر کنونی تمدن اسلامی باید مطابق با مقتضیات زمان در راستای رشد مسلمانان به ایفای نقش پردازد که اصطلاح تمدن نوین اسلامی، می تواند اصطلاحی باشد که کارکردهای تمدنی اسلام را در عصر کنونی بیان کند. پیروان مذاهب اسلامی بایستی در راستای بهره مندی از تعالیم اسلام به منظور تحقق تمدن جهانی اسلام گام بردارند و در این راستا، حقوق یکدیگر را محترم بشمارند. از نظر اسلام جنگ مذهبی و ستیز به خاطر اختلاف عقیده و کینه توزی و دشمنی نسبت به پیروان مذاهب دیگر ممنوع و در پیش گرفتن روش های اهانت آمیز نسبت به دیگران، یک روش غیر دینی است. اسلام بر هم زیستی میان مسلمانان تأکید می کند و حتی از روی اجبار کسی را به اسلام نمی خواند بلکه از انسان ها دعوت می کند تا از روی اختیار و آزادی عقیده اسلام را بپذیرند. (بقره: ۲۵۶) اسلام همواره نسبت به رعایت حقوق یکدیگر به مسلمانان سفارش کرده است.

تحقق تمدن اسلامی در بین مسلمانان با وجود تنوع مذهبی می تواند نقش به سزایی در هم زیستی مسالمت آمیز مسلمانان داشته باشد و زمینه شکوفایی علمی، فرهنگی و تمدنی مسلمانان را فراهم سازد،

از این رو، کارکردهای تقریب مذاهب در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی در این پژوهش مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد و سعی می‌شود تا به این سوال پاسخ داده شود که تقریب مذاهب چه نقشی در تمدن سازی اسلامی دارد و چه ظرفیت‌هایی را در جهت تمدن سازی اسلامی فراهم می‌کند؟

تعریف مفاهیم

در این بخش از پژوهش به منظور مشخص نمودن تعریف مختار مفاهیم کاربردی به صورت تفصیلی شرح داده می‌شود:

تقریب مذاهب: تقریب از ریشه قرب و نزدیکی عکس بُعد و دوری است و تقارب به معنای نزدیک شدن به یکدیگر ضد تباعد دوری جستن از یکدیگر است. (خسروشاهی، ۱۳۸۹: ۲۱) در اصطلاح، تقریب مذاهب کوششی جدی برای تحکیم روابط میان پیروان مذاهب از راه درک اختلاف‌های موجود میان خود و زدودن پیامدهای منفی این اختلافات و نه اصل اختلافات است. (خسروشاهی، ۱۳۸۹: ۲۲)

تمدن: تمدن در زبان عربی از مدن به معنای اقامت کردن و پیدا کردن اخلاق شهرنشینان (معلوف، ۱۳۷۴: تمدن) و معادل واژه الحضاره به معنای اقامت در شهر است (ابن منظور، بی تا، ج ۲: ۱۳۰) و از ریشه حضر به معنای شهر، قریه و روستا است و در مقابل بدویت و بادیه‌نشینی قرار دارد. (امین، بی تا: ۱۱). تمدن را می‌توان مجموعه‌ای از پنج عنصر؛ تصور زندگی در دنیا، هدف زندگی، عقیده بنیادین، تربیت فردی و نظام اجتماعی دانست که آگاهانه یا ناآگاهانه به صورت اجتماعی مورد توجه جمع زیادی از انسان‌ها قرار می‌گیرد (سلامی، ۱۳۸۸: ۳۲) و بسترهای اجتماعی لازم را برای تکامل همه اعضای جامعه انسانی فراهم می‌کند. (بن نبی، بی تا: ۴۲)

تمدن نوین اسلامی: تمدن نوین اسلامی یکی از اصطلاحاتی است که نسبت به آن در دهه اخیر مطالب فراوانی نگاشته شده است و هر یک از زاویه‌ای آن را مورد بررسی قرار داده است ولی یک تعریف جامع و مانع در خصوص آن وجود ندارد. در یک تعریف برگزیده که بر اساس تعریف مختار از تمدن بیان شده، می‌توان گفت تمدن نوین اسلامی یعنی ظهور و بروز مادی و معنوی پیشرفت‌های هدفمند، نظام‌مند و نوظهور امت اسلامی با محوریت ایران براساس تعالیم اسلامی در تمامی عرصه‌های اجتماعی، که شکلی معنادار و منضبط به خود گرفته و جامعه اسلامی را به مقاصد خود نزدیک می‌کند. در تمدن نوین اسلامی هدف این است که با ارائه الگو و روش‌هایی که مبتنی بر معارف اسلامی است در راستای احیای تمدن اسلامی گام نهاده شود و پیشرفت همه جانبه حاصل شود و تلاش می‌شود تا با

یادآوری تاریخ درخشان مسلمانان در رشد و گسترش علوم و دوره‌هایی از شکوه تمدنی اسلام، مسلمانان به بازیابی قدرت بالقوه اسلام پردازند. به نوعی می‌توان گفت می‌توان پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی بگیریم. (سخنرانی رهبری ۲۳ مهر ۱۳۹۱) در تمدن نوین اسلامی بر وحدت در عین کثرت تأکید می‌شود و اصلاح و احیای تمدن جز از طریق پذیرش تنوع و تکثر ممکن نیست و تنوع قومی و مذهبی در جهان اسلام به عنوان یک ظرفیت در این راستا محسوب می‌شود.

تقریب مذاهب ظرفیت‌های فراوانی را در جهت تمدن‌سازی نوین اسلامی فراهم خواهد کرد. تقریب مذاهب اسلامی فرصت لازم را برای معرفی اسلام ناب و بازگشت به اسلام اصیل و بازخوانی آموزه‌های اسلامی در راستای شناخت اسلام واقعی و زمینه تشکیل امت واحده را بر اساس معیارهای اسلامی فراهم می‌کند.

اگر مذاهب اسلامی تعصب بی‌جا را کنار بگذارند و نسبت به گسترش فضای گفتگویی و پرهیز از تفرقه و واگرایی تلاش کنند می‌توانند نقش مهمی را در تحقق تمدن‌سازی نوین اسلامی ایفا کنند. در همین راستا سعی می‌شود به مولفه‌هایی مانند بازگشت به اسلام اصیل، بازخوانی آموزه‌های دینی، تشکیل امت واحده، ترویج فضای گفتگویی و پرهیز از تفرقه و گسترش هم‌گرایی و کاهش تعصب و افراطی‌گری به عنوان عوامل مهمی که تقریب مذاهب می‌تواند در تحقق تمدن نوین اسلامی ایفا کند پرداخته خواهد شد.

بازگشت به اسلام اصیل

اسلام به‌عنوان دین کامل، در عصر حاضر می‌تواند به‌تمامی نیازهای انسان‌ها پاسخ دهد و در این راستا مسلمانان باید با تمسک به قرآن و میراث اسلامی در این مسیر گام بردارند و با تحقق تمدن اسلامی این ظرفیت اسلام را شکوفا سازند. در عصر حاضر مسلمانان از اسلام اصیل فاصله گرفته‌اند. توجه به کوتاهی‌ها و مسئولیت‌پذیری مسلمانان نسبت به وضع موجود نقطه آغازین تمدن‌سازی نوین اسلامی است. چاره‌ردهای جهان اسلام بازگشت به قرآن و سنت است. بسیاری از اندیشمندان اسلامی نیز، بر پیراستن خرافات از آن تأکید داشته‌اند. (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۱: ۲۱) سید جمال الدین اسدآبادی معتقد بود که دین، برنامه و ضامن خوشبختی بشر در دو دنیا است (وائقی، ۱۳۵۵: ۳۷۴-۳۷۲) اما برداشت‌های غلط از عوامل افول جوامع مسلمان است، (مجتهدی، ۱۳۶۳: ۱۹) لذا، اصلاح دین لازمه احیای

تمدن اسلامی است. (صاحبی، ۱۳۶۷: ۲۰۳) و تلاش کرد تا نگرش مردم را نسبت به دین واقعی کند و حقیقت دین را به مردم معرفی کند.

شهید مطهری از جمله کسانی بود که در زمینه احیای تفکر اسلامی گام‌های اساسی برداشت و سعی کرد اسلام واقعی را بیان کند. شهید مطهری به یکی از لوازم تمدن‌سازی اسلامی که احیای اسلام اصیل و تفکر اسلامی است، پرداخته و معتقد است که امروزه گرچه مظاهری از اسلام وجود دارد ولی این مظاهر فاقد ویژگی حیات‌بخشی و حیات‌آفرینی هستند و به همین جهت، احیای تفکر اسلامی ضروری است و مسلمانان باید تصور خود را از مفاهیم اسلامی تصحیح کنند و این همان معنای احیای تفکر اسلامی است. (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۵: ۴۴۲) امام خمینی (ره) اسلام را آفریننده بزرگ‌ترین و پیشرفته‌ترین تمدن‌ها می‌داند و با اشاره به این‌که هر کس به قوانین اسلامی عمل کند به پیشرفته‌ترین تمدن‌ها خواهد رسید مسلمانان را به احیای ویژگی‌های تمدن‌ساز اسلام و بازگشت به اسلام اصیل فراخواند، چرا که تنها راه نجات مسلمانان تمسک به آموزه‌های اصیل اسلامی است. (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۵: ۲۰۴)

البته منظور از بازگشت به اسلام اصیل، بازگشت به گذشته و تقلید کورکورانه از گذشته نیست، بلکه منظور نوعی آسیب‌شناسی وضع موجود و یادآوری گذشته پرافتخاری است که در برهه‌ای از تاریخ مسلمانان به عنوان جوامع متمدن و پیشرفته شناخته می‌شدند؛ یعنی مسلمانان باید به گسست اجتماعی جوامع مسلمان از اسلام اصیل توجه کنند که در عقیده، اخلاق و عمل از مفاهیم و ارزش‌های اسلامی فاصله گرفته‌اند و برای از بین بردن این فاصله تلاش کنند. هدف از این بازگشت، احیای تمدن اصیل اسلامی و گسترش اصول و مبانی تمدن‌ساز اسلام براساس درون‌مایه‌های اندیشه اسلامی است؛ زیرا اسلام اصیل به دلیل ویژگی «خاتمیت» تمامی ویژگی‌های حیات‌بخشی و تمدن‌سازی را در ذات خود دارد.

بازخوانی آموزه‌های دینی

جهت نیل به بازسازی به تمدن اسلامی از طریق تاکید و کاربست ارزش‌های تقریبی بین مذاهب اسلامی، تنها چاره کار، بازخوانی مجدد مؤلفه‌های دینی است، البته در این راه، نباید مفاهیم را از محتوا خالی کنیم بلکه باید مفاهیم را به شکلی تحلیل کرد که در آن عقل و عشق، قدرت و اخلاق، علم و عمل جمع گردند. در واقع، از آسیب‌های اساسی در جهان امروز آن است که مفاهیم اسلامی را از جامعیت و

فراگیری تهی کرده اند و تنها، بخشی از آن یا محتوای استحاله شده آن، مورد استفاده قرار می گیرند و این امر، به گسترش خرافه در بین مسلمانان دامن زده تا حدی که برخی مفاهیم با محتوای غلط اهمیت یافته اند و نیز، برخی دیگر در تضاد با دیگر مفاهیم، قرار گرفته اند.

محمد آرکون از اندیشمندان مسلمان معاصر جهان، اسلام را به عنوان یک واحد کل ترسیم می کند و قائل به تفکیک بین عرب، فارس و ترک نیست. ایشان یکی از عوامل انحطاط را خرافه معرفی می کند و معتقد است که تاریخ قرن ۱۳-۱۱ میلادی که به عصر انحطاط شهرت یافته باید بازخوانی شود تا مشخص شود که خرافه چگونه جای اندیشه را گرفته است. اقبال لاهوری معتقد بود که باید لایه سختی که روی اسلام را پوشانده و نظر پویا و بالنده آن را متوقف ساخته از روی آن برداریم و از نو حقایق اصلی آزادی، برابری و مسئولیت مشترک را بازخوانی کنیم. (شعیری، بی تا: ۱۷۳) ایشان معتقد بود که اسلام انفس و آفاق را منابع علم و معرفت می داند که هر دو از یک ریشه جوانه می زنند و خداوند نشانه های خود را هم در تجربه درونی آشکار می سازد و هم در تجربه بیرونی (شعیری، بی تا: ۱۳۸-۱۳۷) وی همچنین معتقد بود که فکر دینی در مدت پانصد سال اخیر رکود داشته و در این دوران که وی آن را دوران خواب عقلی جهان اسلام می نامد اروپا با کمال جدیت درباره مسائلی اندیشیده است که فیلسوفان اندیشمندان اسلامی سخت به آن ها دل بسته بودند. در نتیجه، جنبش عقلی در اروپا از قرون وسطی که مکاتب کلامی به حد کمال رسیده بود پیشرفت های نامحدودی در زمینه فکر و تجربه بشری حاصل شده است؛ به طوری که به نظر می رسد عقل از زمان، مکان و علیت تجاوز کرده است و حتی تصور ما نسبت به قابلیت تعقل را دست خوش تغییر کرده است (شعیری، بی تا: ۲۲-۲۱) ولی جهان اسلام با داشتن پشتوانه متعالی دین اسلام، از این نعمت محروم است و لذا باید با مراجعه به میراث غنی خود نسبت به احیای اسلام اقدام کند، بنابراین، بازخوانی آموزه های دینی می تواند با پای بندی مسلمانان به تقریب بین مذاهب اسلامی در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی به ایفای نقش بپردازد.

تشکیل امت واحده

بی شک بازسازی تمدن اسلامی بی آن که به پتانسیل های داخلی مذاهب اسلامی توجه کنیم، غیرممکن است، از مهم ترین این پتانسیل ها، تشکیل امت واحده است که برای نیل به مقصد واحد، مشترک و بزرگ یعنی تمدن نوین اسلامی یک ضرورت تردید ناپذیر است و آن، تنها با تقریب مذاهب

اسلامی و تشدید هم‌گرایی در بین مسلمان‌ها، تحقق می‌پذیرد. شکی وجود ندارد دعوت به وحدت و تحقق آن، از مهم‌ترین آموزه‌های بلند کلام الله است. سند این سخن، آیات فراوان قرآن است که مسلمان‌ها بلکه همه جهانیان را به جمع شدن در کنار هم و دور شدن از جدال، فراخوانده است «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیاء: ۹۲)

هنگامی که خدای متعال اصلی‌ترین دعوت پیامبران خود را متذکر می‌شود، دوری از تفرقه را هم وزن دین به شمار می‌آورد: «سَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ:» برای شما از دین، همانی را مقرر کرد که نوح را بدان سفارش کرده بود و نیز آنچه که به تو وحی کردیم و آنچه ابراهیم و موسی و عیسی را بدان سفارش کردیم که دین را بپا دارید و در آن پراکندگی و اختلاف نکنید. «(شوری: ۱۳) در این آیه بر اصل اتحاد و یکپارچی جامعه تأکید می‌کند و این ویژگی را از دستورات خداوند به همه انبیای الهی از جمله حضرت ابراهیم (ع)، حضرت موسی (ع) و حضرت عیسی (ع) بر می‌شمارد.

پیامبر اکرم (ص) وجود تنوع فکر و اندیشه در بین امت را رحمت معرفی می‌کند: «اختلاف امتی رحمة» (قزوینی، ۱۳۸۷، ج: ۱، ۲۷۱) که وجود اندیشه‌های مختلف به رسمیت شناخته شده و زمینه تضارب اندیشه‌ها در جامعه فراهم می‌شود. از سوی دیگر، اسلام عامل قومیت را عامل به وجود آورنده و ثبات دهنده اجتماع نمی‌داند و تاسیس یک جمع بر پایه آن را نمی‌پذیرد. (حجرات: ۱۳) زیرا آن، باعث می‌گردد که مردم دسته دسته از هم جدا شوند و لاجرم آدم‌ها از یکی شدن و گرد هم آمدن، کناره گیرند و واگرایی در جامعه گسترش یابد و اگر این واگرایی در مقیاس بزرگتری پدید آید اطلاق عنوان جامعه بر این اجتماع انسانی نیز با تشکیک روبرو می‌شود. براساس جهت گیری قرآنی، انسان‌ها بشر باید اجتماع یگانه ایی تاسیس کنند و برای مرزهای سرزمینی اهمیتی ندهند بلکه همه را به یک مرام و عقیده دعوت کنند به این معنا که بشر همواره باید در پی هم‌گرایی عقیدتی باشد. برای تاسیس و فراگیر شدن این آموزه وحدت بخش، تشکیل امت واحده ضرورت می‌یابد. در حقیقت، مرز اسلام، امت اسلامی است که بر پایه عقیده دینی شکل گرفته است، بنابراین، می‌توان امت را دسته ای دانست که هدف مشترک آنان را دور هم جمع کرده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج: ۱۴: ۳۲۲)

قدرت یکپارچه و متحدجهان اسلام سازوکارها، ابزارها و زمینه‌های ایجاد، گسترش و توسعه تمدن اسلامی را فراهم می‌کند. طبق روایت «الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُمُ بَعْضًا» (شعیری، بی تا: ۸۵)

که از رسول خدا (ص) نقل شده، دین رابطه بین انسان‌ها را به صورت یک ارزش اخلاقی در می‌آورد و این ارزش در قالب روابط اجتماعی پدیدار می‌شود. دین پدید آورنده یک نظام اجتماعی است که افراد در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و بر اساس وحدتی که بین آن‌ها شکل می‌گیرد یک فرد به افراد زیادی تبدیل می‌شود و هرچقدر این وحدت و انسجام بیشتر باشد، این گروه گسترده‌تر خواهد بود و برعکس هر چه این اتحاد و انسجام ضعیف‌تر باشد این گروه به سمت واگرایی حرکت می‌کند و قابلیت‌های او محدودتر خواهد شد، بنابراین، تشکیل امت اسلامی گامی مهم در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی خواهد بود.

ترویج فضای گفتمانی

با مرور تاریخ اسلام درمی‌یابیم، تمدن و فرهنگ اسلامی ضمن حفظ هویت و اصالت خویش همانند دیگر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها از دیگر کشورها و ملت‌ها بهره برده اما این بهره‌گیری بدان شکل نبوده است که همه آموزه‌های یک فرهنگ و تمدن را پذیرفته باشد بلکه تنها بخش‌های مثبت و سازنده آن را در خود هضم نموده و از آنها موجودی تازه پدید آورده است. این موضوع از بازتاب‌های اساسی گفتمان تقریب مذاهب اسلامی است. از جمله، محسنات جدال احسن، دسترسی به نکته‌های اثربخشی است که از میان تضارب آراء به دست می‌آید بنابراین، تن دادن به مجالس تضارب آراء و گفتگوی بین مذهبی، به معنای دست کشیدن از باورهای شخصی نیست.

اسلام، ضمن پذیرش و اعتباربخشیدن به گفتگوهای تقریبی مذاهب و با احترام به تفکر و تعقل، جهت وارد نشدن در اختلاف اندیشه‌ها به تبادل نظر، گفت‌وگو و تضارب آراء ارزش داده و آن را تکلیف و وظیفه هر انسان عاقل و اندیشمندی برشمرده است. در نقطه مقابل، نتایج ممانعت یا محدود کردن تضارب آراء، اضمحلال استعدادها، قشری‌نگری، تسلیم شدن و تحجرگرایی است که هیچ‌یک از آن‌ها، کمکی به بازسازی تمدن اسلامی نمی‌کند بلکه رکود یا افول تمدن اسلامی را به دنبال خواهد داشت اما اگر همگان به ویژه اندیشمندان، فرهیختگان، عالمان و ... راه گفتگو را با حق جویی، انصاف و خوش اخلاقی در پیش گیرند، راهی روشن و البته مطمئن را برای دستیابی به تمدن اسلامی باز کرده‌اند. ناگفته پیداست که اگر تحمل گوش دادن به دیدگاه‌های دیگران را از دست بدهیم، قادر به برقراری ارتباط با آنان نبوده و لاجرم تعصب و خشونت بر ما حکم فرما می‌شود و روح همکاری و همیاری برای همیشه

رخت برمی بندد و این مساوی است با مرگ اندیشه و مرگ اندیشه، مرگ تمدن و مرگ دستیابی به تمدن را در پی خواهد داشت.

پیروان ادیان و مذاهب باید همواره آمادگی گفت‌وگو را داشته باشند و اگر این آمادگی را نداشته باشند به اختلاف می‌رسند. در گفته‌های امام موسی صدر مفهوم «تعاون» دیده می‌شود، یعنی امام موسی صدر قائل بر این است که مسلمانان و مسیحیان در کنار یکدیگر باید زندگی را بهبود بخشند؛ دیگران را فقط نباید تحمل کرد بلکه باید کنار یکدیگر کار کرد، از این رو، زندگی برآمده از کنش مشترک و فعالیت مشترک است. وقتی در جامعه، دیگری متفاوت با خود ساخته می‌شود، دیگری که در بهترین شکل نسبت به او ترحم می‌شود، این مانع گفت‌وگو می‌شود. فضای پیرامونی پر از این غیریت‌سازی‌ها است؛ جنسیت، قومیت، مذهب هر کدام نوعی غیریت ایجاد می‌کنند و با این غیریت‌ها نمی‌توان گفت‌وگو کرد. پس بهتر است اختلاف مذهبی را مبنای جدا کردن مردم یک جامعه قرار نداد و پیروان ادیان و مذاهب دیگر را جزئی از جامعه که می‌توان با آن‌ها گفت‌وگو داشت به حساب آورد. در اندیشه امام موسی صدر غیریت‌ها عبارتند از تحجر، استبداد، بی‌سوادی، عقب‌ماندگی و اسرائیل (دوماهنامه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، بی تا: ص ۱۴۷-۱۴۸)

ارج نهادن به شخصیت افراد، زمینه مناسبی برای نزدیکی و هم‌گرایی است و این نزدیکی، خاستگاه هم‌فکری و هم‌اندیشی می‌گردد و برخی دوری‌ها و ناسازگاری‌ها را کنار می‌زند و موجب می‌شود افراد به سخنان همدیگر گوش فرا دهند. قرآن کریم کسانی را که دیدگاه‌های مختلف را می‌شنوند و در آن‌ها، می‌اندیشند و از میان آن‌ها بهترین دیدگاه را انتخاب می‌کنند مورد مدح و ستایش قرار می‌دهد: «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ: کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند، آنها کسانی هستند که خدا هدایت شان کرده و آنها خردمندانند.» (زمر: ۱۸)

مشروعیت و حقانیت سخن گفتن در بین ادیان آسمانی و احترام گذاشتن به آراء و نظرات آنان و لزوم تن دادن به روش‌های نیکو در گفتگو ناشی از آن است که اسلام کتب آسمانی سایر ادیان ابراهیمی را تأیید کرده است: «نَزَلَ عَلَيكَ الْكِتَابُ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ - من قبل هدی للأناس و انزل الفرقان: خداوند این کتاب (قرآن) را بر تو به حق نازل کرده که تصدیق کننده کتاب‌های پیشین است و از پیش تورات و انجیل را برای هدایت مردم فرستاده و فرقان را نازل فرمود.» (آل عمران: ۴)

و ۳) از دیدگاه قرآن، همه پیامبران قابل احترامند زیرا: محور مأموریت‌ها و رسالت‌های پیامبران الهی تفاوتی با یکدیگر ندارد و تعصبات نژادی و اغراض شخصی سبب نمی‌شود که بعضی را پذیرفت و بعضی را رها کرد: «قُولُوا ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَ مَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ ... لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ: بگوئید: ما به خدا ایمان آورده‌ایم و به آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و ... و ما جدائی در میان آنها قائل نمی‌شویم و در برابر فرمان خدا تسلیم هستیم.» (بقره: ۱۳۶ و مکارم شیرازی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۴۶۷-۴۶۶)

قرآن کریم از پیامبر (ص) می‌خواهد که بنیان تبلیغ و معرفی دین خود را چه در مواجهه با مسلمانان و چه غیر مسلمانان بر اصل گفت‌وگو، منطق، حکمت و جدال احسن قرار دهد. پیامبر اکرم (ص) به منظور ارج نهادن به شخصیت انسان‌ها در گفت‌وگو با پیروان یهود می‌فرماید: «یا اخوه الیهود: ای برادران یهودی» (طبرسی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۵۷) امام صادق (ع) نیز، در گفت‌وگو با یکی از منکران مصری می‌فرماید: «یا اخا اهل مصر: ای برادر مصری» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۷۳) در این روایت، امام صادق (ع) آن فرد را تحقیر نمی‌کند و در ضمن، سخن با او چندین بار از لفظ محترمانه «ای اخا اهل مصر» استفاده می‌کند و با این شیوه اخلاقی به سؤالات او پاسخ می‌دهد؛ چنان‌که او سرانجام به امام صادق (ع) ایمان می‌آورد. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۷۴)

مصادیق زیادی از گفت‌وگوی پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) با اقلیت‌های دینی وجود دارد که در آن جلسه‌ها اقلیت‌های دینی و مذهبی آزادانه نظرات خود را بیان می‌کردند. (طبرسی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۰۶) در اینجا، منظور از دیدگاه‌های مختلف، دیدگاه‌هایی نیست که مورد پذیرش باشد و بتوان آن‌ها را در زیر مجموعه یک گفتمان جمع کرد بلکه دیدگاه‌هایی است که ادیان و مذاهب مختلف مطرح می‌کنند و با اندیشه فرد مخاطب تفاوت ماهوی دارند.

در گفت‌وگو اگر یکی از طرفین برحق بودن خود و باطل بودن طرف مقابل را مطرح کند راه گفت‌وگو و تعامل بسته می‌شود. پیامبر اسلام (ص) با تأسی از آیه ۲۴ سوره سبأ که می‌فرماید: «قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَوتِ وَ الْأَرْضِ قُلِ اللّهُ وَ إِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلٰی هُدٰی أَوْ فٰی ضَلٰلٍ مُّبٰینٍ: بگو چه کسی شما را از آسمان‌ها و زمین روزی می‌دهد؟ بگو الله و ما یا شما بر هدایت یا در ضلالت آشکاری هستیم.» (سبأ: ۲۴) با وجود این که برحق بود به طرف مقابل می‌فرمود یکی از ما برحق است تا راه گفت‌وگو و تعامل و تبادل نظر باز باشد. درباره این روش پیامبر (ص)، زمخشری می‌گوید: این سخن پیامبر و این نوع برخورد

منصفانه ایشان، هر انسان موافق یا مخالفی به انصاف پیامبر حتی در گفت‌وگو با مخالف اعتراف خواهد کرد. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳: ۵۸۱)

گفت‌وگوی میان ادیان و مذاهب به معنای عقب‌نشینی از عقاید و باورهای خویش یا پشت پا زدن به اعتقادات نیست بلکه در این گفت‌وگوها انسان‌ها به دنبال آگاهی از افکار و اندیشه‌های یکدیگر و شناخت مسیر درست‌تر هستند. در حوزه ترویج فضای گفت‌وگو، فقط آگاهی از اهمیت و شرایط آن کافی نیست، بلکه فردی که می‌خواهد در این تضارب افکار و آزرکت کند، باید رفتار خویش را اصلاح نماید تا بتواند نظرات دیگران را به خوبی دریافت کند. امام رضا (ع) در ضمن حدیثی می‌فرماید: «سَلِّ يَا عَمْرَأُ وَعَلَيْكَ بِالنِّصْفَةِ وَإِيَّاكَ وَالْخَطْلَ: ای عمران بپرس و مبادا که در گفت‌وگوها سخنی فاسد و ناستوار بر زبان آوری» (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۶۸) در اینجا امام تأکید می‌کند که در گفت‌وگو جوانب اخلاق نگه داشته شود و از هرگونه اهانت و استفاده از تعبیر زشت و ناروا پرهیز شود.

از اساسی‌ترین آفات مباحث فکری می‌توان به خودخواهی به جای حق خواهی، نقد افراد به جای نقد فکرها، خشونت به جای مسالمت‌جویی و مطلق‌اندیشی به جای آزادمنشی اشاره کرد و البته برخی از صاحبان اندیشه در دنیای اسلام، در اندیشه، هستند اما در اقدام با دیکتاتور عمل می‌کنند. جمود در فکر و اندیشه مقدمه جمود در عمل است و امروزه اغلب اقدامات گروه‌های تکفیری ناشی از خشک‌مغزی و بسته بودن ذهن و عقل آن‌ها است که باعث شده برخی جریان‌های فکری در جهان اسلام سیر نزولی را طی کنند.

جلوگیری از گفت‌وگو و تبادل افکار و اندیشه‌ها و محدود کردن آن، رکود استعدادها، سطحی‌نگری، تسلیم‌پذیری و جمودگرایی را در پی خواهد داشت و انسان‌ها روز به روز از تفکر و تعقل فاصله می‌گیرند. اگر افراد از بازگو کردن اندیشه خود که در نتیجه تعقل و ژرف‌اندیشی حاصل شده در هراس باشند، شور و شوق اندیشیدن از بین رفته و انسان قدرت نوآوری و خلاقیت خود را از دست می‌دهد.

پرهیز از تفرقه و گسترش هم‌گرایی

یکی از عواملی که در آغاز اسلام، باعث رکود جامعه اسلامی شد وجود واگرایی و تفرقه در بین مسلمانان بود و وحدت و هم‌گرایی مسلمانان از مهم‌ترین عواملی است که زمینه حرکت جامعه در راستای تمدن‌سازی اسلامی را فراهم می‌کند. در آیات و روایات فراوانی به اتحاد و هم‌گرایی تأکید شده است. (بقره: ۲۱۳، آل عمران: ۶۴، انفال: ۶۴ و ۶۵) وحدت و هم‌گرایی در تمدن‌سازی نقش مهمی دارد و جامعه

را از آسیب‌ها و خطرهای زیادی مصون می‌دارد. حضرت علی (ع) در این خصوص می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَدْ أَمْتَنَ عَلَى جَمَاعَةِ هَذِهِ الْأُمَّةِ فِيمَا عَقَدَ بَيْنَهُمْ مِنْ حَبْلِ هَذِهِ الْأَلْفَةِ الَّتِي يَنْتَقِلُونَ فِي ظِلِّهَا، وَيَأْوُونَ إِلَيْهَا، كَنَفِهَا، بِنِعْمَةِ لَا يَعْرِفُ أَحَدٌ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَهَا قِيَمَةً، لَأَنَّهَا أَرْجَحُ مِنْ كُلِّ ثَمَنٍ، وَأَجَلُّ مِنْ كُلِّ خَطَرٍ: خداوند سبحان بر این امت به سبب الفت و وحدتی که بین آن‌ها منعقد کرد منت نهاد الفتی که در سایه آن وارد می‌شوند و در کنار آن پناه می‌گیرند، نعمتی که کسی از آفریدگان بهای آن را نمی‌داند چراکه از هر کالایی برتر و از هر امر مهمی، مهم‌تر و بزرگ‌تر است.» (سید رضی، ۱۳۵۹، خ ۲۳۶)

سید جمال که از تشمت و تفرقه و عقب ماندگی دنیای اسلام ناراحت و در فکر احیای مجدد تمدن اسلامی بود به این باور رسید که اساسی‌ترین مسیر برای رفع تهاجم اجانب، تحقق اتحاد اسلامی در بین مسلمانان است. به تعبیر وی، هیچ چیز چاره کار را به جز اتحاد نمی‌کند (واثقی، ۱۳۵۵: ۴۰۵) و مسلمانان برای قدرتمندی چاره‌ای جز اتحاد ندارند زیرا اتحاد، بنیاد قدرت است. (سمندر، ۱۳۶۰: ۱۴۰) وی برای دسترسی به این موضوع، به طرق مختلف، مسلمانان را به پرهیز از اختلاف و روی آوری به اتفاق، دعوت می‌کرد و می‌کوشید تا بسترهای وحدت‌گرایی را در میان آنان با یادآوری مجدد گذشته تقویت نماید.

عده همواره در پی وحدت جهان اسلام بود و از این رو، با تعصب فرقه‌ای مخالف بود تا جایی که به قول خودش نهج البلاغه را کشف کرد، در صدد شرح و نشر آن برآمد و حتی از ستایش بی‌مانند حضرت علی (ع) دریغ نمود. (صاحبی، ۱۳۶۷: ۱۵۳) نوری با این اندیشه که جهان اسلام یک کل واحد است بیشترین نقش را در قرائت جدید از اسلام در ترکیه ایفا کرد. (ولد، ۱۳۸۹: ۱۳) اصل اتحاد کانون اندیشه‌های نوری را تشکیل می‌دهد و وی با این اصل با هرگونه اندیشه واگرایانه مخالفت می‌کرد. او گام نخست را در اتحاد قلوب می‌دید و همه را به کنار گذاشتن پراکندگی‌ها فرامی‌خواند و برای دستیابی به یکپارچگی، ترک تظاهر و افراط‌گرایی در سطح فردی و اجتماعی را مطرح می‌کرد و از همین رو، با ناسیونالیسم و هرگونه تجزیه‌طلبی مخالفت می‌کرد. (ولد، ۱۳۸۹: ۸۰) نوری در بحث اتحاد اسلامی تنها به وحدت امت قائل نبود، بلکه به اتحاد اندیشمندان و نخبگان جهان اسلام می‌پرداخت. (قاسم الصالحی، ۱۹۹۸: ۲۳)

از دیدگاه ابوالاعلی مودودی متولد ۱۹۰۳، مهم‌ترین و اصلی‌ترین عامل ایجاد اختلاف و گسستگی در بین مسلمانان، ظهور تعصبات قومی و نژادی بوده است که بعدها در قالب تعصبات خشک مذهبی نیز

نمایان شد و عامل اصلی اختلاف بین مذاهب مختلف اسلامی گردید. حسن حنفی متولد ۱۹۳۵ معتقد است که باید توحید را از دایره صرف اعتقاد خارج و کارکرد آن را در میدان عمل روشن ساخت. از نگاه ایشان، توحید در نظام جهانی هم معنی دارد و پیام مخالفت با نژادپرستی و کاستن از فاصله بین قوی و ضعیف و به میدان آوردن گروه‌های به حاشیه رانده شده را به دنبال دارد. (وصفی، ۱۳۸۷: ۱۷۲)

کاهش تعصب و افراطی‌گری

بدون تردید در یک فضای آرام و توأم با صبوری می‌توان در جدال احسن با افکار مخالف، تبادل نظر را به مثابه یکی از مؤلفه‌های بالنده سازی تمدن اسلام، ارتقا داد. روشن است تنها با بردباری، عقل‌گرایی و مداراگری می‌توان با دیگران ارتباط برقرار کرد و جامعه اسلامی را در مسیر رشد قرار داد و روحیه همیاری، کار جمعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و... را بهبود بخشید، به همین دلیل، قرآن مسلمان‌ها را در رؤیاری با آرای مخالف، به خویش‌داری، صبر، حوصله، تعقل و اندیشه دعوت می‌کند تا بهترین اندیشه‌ها و سخن‌ها گزینش شود.

گسترش گفتمان تقریب مذاهب در جامعه باعث می‌شود تا فاصله‌هایی که ممکن است بر اثر تعصب بی‌جا و پافشاری بر یک ایده ایجاد شده باشد، کاهش یافته و بدبینی و خصومت جای خود را به خوش‌بینی و دوستی بدهد. تعصب باعث می‌شود تا انسان در بسیاری از مسایل دچار جهل شود. پیامبر اکرم (ص) در مذمت تعصب می‌فرماید: «ایاک و اللجاجة، فان اولها جهل و آخرها ندامة: از لجاجت پرهیزید که آغازش جهل و پایانش پشیمانی است.» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۱۴)

تعصب و افراطی‌گری دینی و مذهبی نیز، از عواملی است که باعث می‌شود جامعه دچار واگرایی شود. یکی از راه‌کارهای کاهش تعصب و افراطی‌گری نزدیک‌تر کردن مذاهب اسلامی به یکدیگر است. برخی از اندیشمندان جهان اسلام در این راستا و به منظور رهایی مسلمانان از افراطی‌گری نزدیکی مذاهب را دنبال کرده‌اند. محمد السوقی در این خصوص می‌گوید: «نزدیک‌تر کردن مذاهب اسلامی یعنی؛ تلاش برای رقیق کردن تعصبات افراطی و فراخوانی امت اسلامی بر محور ایده مشترک و کلمه واحد بر اساس اصول و شاخصه‌های بنیادین دینی» (السوقی، ۱۹۹۴: ۵۴)

محمد آرکون معتقد است که باید با ترویج پژوهش‌های تاریخی به مردم کمک کنیم تا افکار و اندیشه‌های خود را توسعه دهند و در این راه با حمایت از فرق مختلف در خصوص یافته‌های جدید مردم را با فرهنگ بار بیاوریم. باید مردم را به منطقی‌تر کردن تفکر عادت دهیم تا با خرد و اندیشه خود بتوانند مسایل روز را

درک کنند و درونی سازند تا وقتی جوامع عربی و اسلامی مردم خود را این گونه تربیت نکنند و آنها را در این مسیر صحیح نیندازند جنگ‌های فرقه‌ای و مذهبی همچنان ادامه خواهد یافت. (آرکون، ۱۳۸۹: ۱۰۳) پس یک راه، زدودن تعصبات افراطی رشد فکری مردم است که آن هم از مسیر کاهش تعصبات مذهبی در جامعه می‌گذرد.

تقریب بین مذاهب مختلف زمینه طرد اندیشه تکفیر و گرایش‌های متعصبانه و افراطی را از بین می‌برد. حسن حنفی رد کردن گفت‌وگو و عدم تحمل سایر جریان‌های فکری را یکی از عوامل گسترش اندیشه افراطی‌گری می‌داند. این اندیشه به دلیل اینکه خود را بر حق و دیگران را گمراه می‌داند، فقط جماعت‌های اسلامی مثل خودشان را در راه حق و صاحب حقیقت می‌پندارد برای دیگران هیچ شأنی قایل نمی‌شوند و حتی آنها را جزء مؤلفه قلوبهم نیز، به حساب نمی‌آورند. (حنفی، ۱۹۹۸، ج ۲، ص ۴۰) اگر این گروه‌ها مقداری نسبت به گروه‌های دیگر خویش‌ن داری داشته باشند و با اندیشه‌های آنها آشنا می‌شدند از افراطی‌گری دست بر می‌داشتند و حداقل حق حضور دیگران را محترم می‌شمردند.

در اندیشه فؤاد زکریا یکی از عوامل افراطی‌گری وجود تعصب است، زیرا: تعصب باعث می‌شود تا هر انسانی فقط بر ایده خود اصرار ورزد و بدون دادن فرصت استدلال به طرف مقابل او را محکوم می‌کند. در اندیشه ایشان برخی از آفات تعصب فکری عبارتند از: تعصب مانعی با ابعاد گوناگون است که امکان هر گونه تفکر علمی و سنجیده را نابود می‌کند. (زکریا، بی تا: ۱۱۳-۱۱۱) اگر تحمل گروه‌های مخالف در جامعه رواج داشته باشد و افراد متعصب به دیگران نیز، اجازه دفاع از افکار و اندیشه‌های خود را بدهند در اثر شنیدن این استدلال‌ها افراد متعصب نیز، انعطاف پذیر خواهند شد و همین انعطاف سرآغاز کاهش تعصب و افراطی‌گری خواهد بود.

مهم‌ترین آفت‌های مباحث فکری عبارتند از؛ خودمحوری به جای حق‌محوری، نقد اشخاص به جای نقد افکار، پرخاشگری به جای منطق‌ورزی و مطلق‌اندیشی به جای آزادمنشی. متأسفانه بعضی از اندیشمندان جهان اسلام در فکر، آزاداندیش هستند، ولی در عمل آزادمنش نیستند. جمود در فکر و اندیشه مقدمه جمود در عمل و ظهور تعصب و افراطی‌گری است و امروزه اغلب اقدامات گروه‌های تکفیری ناشی از خشک مغزی و بسته بودن ذهن و عقل آنهاست که باعث شده برخی جریان‌های فکری در جهان اسلام سیر نزولی را طی کنند، بنابراین، تعصب و افراطی‌گری از عوامل مخل تمدن سازی است و با کاهش افراطی‌گری در جوامع مسلمان زمینه تمدن سازی نوین اسلامی محقق خواهد شد.

نتیجه گیری

دین مبین اسلام ظرفیت تأسیس جامعه مطلوب را در بطن آموزه‌های خود دارد و جامعه مطلوب امروزه می‌تواند تحت عنوان جامعه متمدن خود را معرفی کند ولی وجود اختلافات عمیق در بین مذاهب مختلف اسلام باعث شده است که هم‌گرایی که از عوامل مهم شکوفایی جوامع می‌باشد در بین جوامع مسلمین جایگاه خود را از دست دهد و به نوعی جهان اسلام در اغلب سطوح خود شاهد نوعی واگرایی باشد. بی‌گمان تقریب مذاهب و نزدیکی مسلمانان به یکدیگر فرصت احیای مجدد اسلام و بازخوانی اسلام را برای همه مسلمانان فراهم می‌کند تا بتوانند با تمسک به قرآن و متون دینی با معارف اصیل اسلامی آشنا شوند و در راستای شکوفایی خود از آن بهره ببرند.

تقریب مذاهب باعث می‌شود تا مسلمانان بتوانند بدون تعصب و افراطی‌گری با اندیشه‌های یکدیگر آشنا شوند. تقریب مذاهب زمینه‌ساز ترویج فرهنگ گفت‌وگوی صحیح، منطقی و سازنده بر اساس اصول و مبانی مشترک با هدف درک یکدیگر و دست‌یابی به تمدن نوین اسلامی و استفاده از ظرفیت‌های یکدیگر، از بین رفتن تعصبات مذهبی و دینی، عاری بودن از تحجر و افراطی‌گری، قلمرو خواهی فرهنگی و فکری است. در گفت‌وگو میل غلبه کردن وجود ندارد چرا که در این صورت گفت‌وگویی وجود ندارد و در حقیقت گفت‌وگو، گفت و شنود تفکر است که در وادی تفکر آغاز می‌شود، جریان پیدا می‌کند و به نتیجه می‌رسد و در این فضا زمینه ظهور و بروز کارکردهای واقعی اسلام بیش از پیش فراهم می‌شود. در تمدن سازی اسلامی هدف این است همه مذاهب اسلامی حقیقت ناب اسلامی را برای مردم بیان کنند و با حفظ ارزش‌های گذشته، آینده مطلوب که همان تمدن نوین است ساخته شود و مسلمانان می‌توانند با ایجاد روابطه حسنه و داد و ستد علمی در بین خود این مهم را محقق سازند.

کتابنامه

- قرآن کریم (۱۳۸۰). مهدی الهی قمشه‌ای، ترجمه قرآن، قم، فاطمه الزهرا.
- آرکون، محمد (۱۳۸۹). اعاده اعتبار به اندیشه دینی، گفت و گوی هاشم صالح با محمد آرکون، ترجمه محمد جواهر کلام، تهران، نگاه معاصر.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۲). عیون أخبار الرضا علیه السلام، ترجم علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه، ج ۱.

- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴). تحف العقول، قم، جامعه مدرسین.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (بی تا). لسان العرب، بیروت، دار صادر، ج ۲.
- امین، احمد (بی تا). فجر الاسلام، بیروت، دارالکتاب العربی.
- بن نبی، مالک (بی تا). مشکله الافکار فی العالم الاسلامی، بیروت، دارالفکر المعاصر.
- حنفی، حسن (۱۹۹۸). هموم الفكر و الوطن، قاهره، دار قباء للطباعة والنشر و التوزيع، ج ۲.
- خسروشاهی، سید هادی (۱۳۸۹). سرگذشت تقریب، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی، سخنرانی، دیدار جوانان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳.
- الدسوقی، محمد (۱۹۹۴). منهج التقارب بين المذاهب الفقهيه من اجل الوحدة الاسلاميه، علي دروب التقريب بين المذاهب الاسلاميه، لبنان، دارالتقريب.
- زکریا، فواد (بی تا). التفکیر العلمی، کویت، منشور ذات سلاسل.
- زمخشری، محمود بن عمر بن محمد (۱۴۰۷). تفسیر کشف، بیروت، دار کتاب العربی، ج ۳.
- سلامی، نذیر احمد (۱۳۸۸). اندیشه‌های اسلامی در سخنان ابوالاعلی مودودی، تهران، احسان.
- سمندر، عبدالله (۱۳۶۰). گزیده عروة الوثقی، ترجمه عبدالله سمندر، تهران، مولی.
- سید رضی (۱۳۵۹). نهج البلاغه، تهران، بنیاد نهج البلاغه.
- شعیری، محمد بن محمد (بی تا). جامع الاخبار، نجف، مطبعه حیدریه.
- صاحبی، محمد جواد (۱۳۶۷). اندیشه اصلاحی در نهضت های اسلامی، تهران، کیهان.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷). المیزان، قم، دارالفکر، ج ۱۴.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۳۷۱). الإحتجاج علی أهل اللجاج، تهران، مرتضوی، ج ۱.
- قاسم الصالحی، احسان (۱۹۹۸). نظره عامه عن حياه بديع الزمان سعيد نورسي، اردن، المعهد العالمی للفکر الاسلامی.
- قزوینی، ملاخلیل (۱۳۸۷). الشافي في شرح الكافي، قم، دارالحدیث، ج ۱.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱.
- مجتهدی، کریم (۱۳۶۳). سید جمال الدین اسدآبادی و تفکر جدید، تهران، تاریخ ایران.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). بررسی اجمالی نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، تهران، صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). مجموعه آثار شهید مطهری، تهران، صدرا، ج ۲۵.

- معلوف، لويس (۱۳۷۴). المنجد، ترجمه محمد بندرریگی، تهران، ایران، ج ۱.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۲). تفسیر نمونه، قم، علی ابن ابی طالب (ع)، ج ۱.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۹۰). صحیفه امام خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی مجموعه نرم افزاری، ج ۵.
- واثق، صدر (۱۳۵۵). سیدجمال الدین حسینی پایه گذار نهضت های اسلامی، تهران، پیام.
- وصفی، محمد رضا (۱۳۸۷). نومعتزلیان، تهران، احسان.
- ولد، مری (۱۳۸۹). اسلام در ترکیه مدرن؛ زندگی نامه یک روشنفکر: بدیع الزمان سعید نورسی، ترجمه فرزاد صیفی کاران، تهران، احسان.
- اسماعیلی، محسن، (۱۳۹۳). "گفتمان الگو"، دوماهنامه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، شماره ۶، دی ماه، ص ۱۴۷-۱۴۸.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی